

قلعه برقرار

۴



■ کارگردان:
فرشاد فدائیان

«قلعه برقرار» به عنوان موفق‌ترین فیلم پانزدهمین دوره جشنواره فیلم حقیقت انتخاب شد و جوایزی چون بهترین فیلم و بهترین کارگردانی مستند نیمه‌بلند را دریافت کرد. قصه فیلم به مسئله آب و کمبود این ماده حیاتی در شهرکاشان می‌پردازد.

آن شب

۵



■ کارگردان:
مینا قاسمی زواره

«آن شب» در جشنواره سینما حقیقت، جایزه ویژه هیأت داوران را به دست آورد. فیلم روایت زنانی است که برای نجات خودشان و دیگران در یک گرمخانه هستند و درگیر ماجراهای عجیب و غریبی می‌شوند.

برگ

۶



■ کارگردان:
حمید جعفری

«برگ» که جایزه بهترین کارگردانی مستند کوتاه جشنواره سینما حقیقت را به دست آورد، در واقع زندگی شخصی به نام قائم است که سعی می‌کند با همه عناصر جهان ارتباط برقرار کند؛ از حیوان تا گیاه. فیلم به نوعی نمایشی از هم‌زیستی انسان و طبیعت است.

«کهنه سرباز»

ساخته‌ی جابر مطهری‌زاده

فیلم کوتاه «کهنه سرباز» ساخته‌ی جابر مطهری‌زاده روایت چندروز از زندگی محمدرضا بهرامی و خانواده‌اش است. محمدرضا که از جانبازان اعصاب و روان جنگ تحمیلی است، همواره درگیر پیامدها و عوارض ناشی از آسیب‌های دوران دفاع مقدس است و به نظر می‌رسد همسر و دخترش از این شرایط بغرنج، خسته و عاصی شده‌اند. به خصوص دختر نوجوانش که مدام به دنبال راهی برای تغییر وضع موجود و آرامش بخشیدن به مادر و بهبود شرایط روحی پدر است. پدری که نوحه‌های معروف دوران جنگ و دعا‌های مرسوم آن زمان، ورد زبانش است و موسیقی ذهنی‌اش، سینه‌زنی‌هایی است که با آن‌ها خاطره‌ها دارد. خاطراتی که حالا به نوعی بلای جانش شده‌اند و لحظه‌ای رهایش نمی‌کنند. و در اکثر اوقات حال و احوالش را دگرگون می‌سازند. فیلم بیش از آن که پرتره‌ای از زندگی شخصیتی به نام محمدرضا بهرامی باشد، درباره تأثیرات جنگ بر خانواده‌های سربازان جنگی است. خانواده‌هایی که چاره‌ای جز تحمل آن چه هست، ندارند و زندگی‌شان کاملاً تحت تأثیر شرایط جسمی و روحی سرپرست خانواده قرار دارد. در اینجا حتی نام سرپرست خانواده در زمره‌ی جانبازان و ایثارگران نیز ثبت نشده و اصرار دارد که این اتفاق نیفتد. او خالصانه و عاشقانه این راه را برگزیده و تأکید می‌کند که برای کسب پول به جبهه نرفته است. پولی که حالا نزد کسانی است که حتی حاضر نمی‌شوند استشهادهی آسیب دیدن محمدرضا در جنگ را امضاء کنند و با بهانه‌هایی نظیر این که او افسردگی داشته یا فیلم بازی می‌کند، از این کار شانه خالی می‌کنند.

«مغیسیف»

ساخته‌ی حدیث جان بزرگی

حدیث جان بزرگی با ساخت فیلم «مغیسیف» (نخل یوسف) «دوربینش را به مناطق محروم جنوب کشور می‌برد و پرتره‌ای دیدنی از انسانی به ظاهر معمولی را به تصویر می‌کشد. انسانی که کمی که پیش می‌رویم و با فعالیت‌های مختلفش در حوزه محیط زیست و به عنوان همیار طبیعت آشنا می‌شویم، متوجه تفاوت‌های فاحش او با آدم‌های معمولی اطرافش می‌شویم. انسانی شریف به نام حسن سکنجه که نسبت به اتفاقات پیرامونش بی‌تفاوت نیست و تلاش می‌کند به اندازه توان خود در حفظ اکوسیستم منطقه سهیم باشد. این چنین است که وقتی پرندگانی زیبا را از دست شکار چیان غیرقانونی نجات می‌دهد، نه فکر خوردن آنها می‌افتد و نه به فروختن آن‌ها می‌اندیشد. همانطور که با علاقه‌ای خاص، در جهت تأمین آب آشامیدنی حیوانات تلاش می‌کند و همچون یک محیطبان غیرتمند، مراقبت از حیوانات این سوو آن سوی زادگاهش را بر عهده می‌گیرد. جان بزرگی در مقام تهیه‌کننده، پژوهشگر و البته کارگردان فیلم، با هوشمندی خاصی فعالیت‌های روزمره سکنجه را زیرنظر می‌گیرد و با نریشن‌هایی با لهجه شیرین جنوبی که حاوی توضیحات جالب توجه اوست، به گونه‌ای ظریف پیام مدنظرش را منتقل می‌کند. توضیحاتی که در بطن خود اشاراتی چند به کم‌کاری‌ها و سوءمدیریت‌های سازمان‌ها و نهادهای دولتی دارد و به نوعی آن‌ها را مسئول اغلب کاستی‌ها و مشکلات زیست محیطی منطقه می‌داند. مسئولیتی که شاید اگر به اندازه‌ی سکنجه و سکنجه‌ها احساس مسئولیت می‌کردند، شاهد ظهور و بروز چنین فجایی در عرصه‌های گوناگون محیط زیست نبودیم.

جعفر صادقی در

«سمفونی حمید»

علاوه بر پرداختن

به افتخارات ورزشی

حمید علیدوستی، ابعاد

دیگری از شخصیت وی

را نیز نمایان نموده و

نشان می‌دهد که او

نه تنها در زمینه فوتبال،

که در زمینه‌های مختلف

اخلاقی و شخصیتی

نیز یک قهرمان قابل

احترام است

«سمفونی حمید»

ساخته‌ی جعفر صادقی

جعفر صادقی در «سمفونی حمید» علاوه بر پرداختن به افتخارات ورزشی حمید علیدوستی، ابعاد دیگری از شخصیت وی را نیز نمایان نموده و نشان می‌دهد که او نه تنها در زمینه فوتبال، که در زمینه‌های مختلف اخلاقی و شخصیتی نیز یک قهرمان قابل احترام است. قهرمانی که هم دخترش (ترانه علیدوستی) او را به درستکاری می‌شناسد و هم دوستان و همبازیانش از منش و مرام ستودنی او به نیکی یاد می‌کنند. منش، مرام و مسلكی که جعفر صادقی سعی می‌کند ریشه‌های آن را واکاوی کرده و نشان می‌دهد که چگونه شخصیت آدمی شکل می‌گیرد. چطور فردی که با کتاب، موسیقی و فیلم همراه و همنشین است، از نظر فکری و شخصیتی رشد می‌کند و از سایر همبازیان و همتایانش در باشگاه و تیم ملی متمایز می‌شود، به گونه‌ای که یکی از آن‌ها در وصفش می‌گوید: «علیدوستی در فوتبال نبغه بود و در انسان بودن، نادر!»

امتیاز فیلم در این است که علاوه بر پرداختن به کارنامه ورزشی حمید علیدوستی، با نریشن‌هایی که با صدای خود علیدوستی شنیده می‌شود، ما را در جریان سایر وجوه شخصیتی وی نیز قرار

می‌دهد و بدین ترتیب می‌تواند رضایت مخاطبان غیرفوتبالی را نیز جلب کند. مخاطبانی که شاید تماشای لحظات تنهایی و زندگی در سکوت و آرامش قهرمان فیلم، برایشان بیشتر از مرور گل‌های فوق‌العاده و حرکات تکنیکی او در مستطیل سبز لذت‌بخش باشد و حتی در لحظاتی احساس کنند که کاش کمی از دوز تصاویر ورزشی فیلم کم می‌شد و بر نمایش جلوه‌های دیگری از واقعیات زندگی و درونیات حمید علیدوستی متمرکز می‌شد. واقعیاتی مثل آن خاطره‌ی سهمناک از به یغما بردن کلکسیون فیلم‌های بالارزش او و پنهان کردن نگاتیوهای فیلم «پاریس، تگزاس» در کالسکه‌ی ترانه!

